مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

حمید عبیدی

۲۰۲۶/۱۱/۰۹

تَوهم دانایی

یکی از عواملی که سبب بروز و تداوم مصیبت شده و مانع از گشایش راه برونرفت سالم از بحران میگردد همانا توهم دانایی است. این کاستی بیشتر دامنگیر درس خواندگان ما میباشد- چه آنانی که در مکاتب و نهادهای تحصیلی مدرن درس خوانده و تحصیل کرده اند و چه هم آنانی که در مدارس دینی سبق خوانده اند .
بیشتر درس خواند گان ما تمایل دارند دانش و مهارت شان را بسیار بیشتر و بالاتر از آن چه که در واقع است، ارزیابی کنند و حتا فکر، دید، داوری و رویکرد خود را درست کامل و یگانه درست بشمارند . این بیماری دامنگیر زمامداران، رهبران سیاسی، فعالان جامعهٔ مدنی و «روحانیت» نیز بود و است.
من میتوانستم در این جا مثال های مشخص بسیار ارایه کنم و اما به خاطر دراز دامن نه ساخت بحث و نیز خودداری از احتمال شخصی شدن، از آن میگذرم .
قاعدتاً کسی که دارای سطح حد اقل کافی دانش باشد، باید این را بداند که هنوز چیزهای زیادی هست که نه میداند و آن چه میداند بخشی از گنجینه دانش بشری است و نه همه آن و یا نه حتا بخش بیشتر آن .
به هر رو، زمان آن که یک فرد بتواند همهٔ گنجینهٔ دانش بشری را بداند، مدت ها پیش به پایان رسیده است .
امروز تعدد علوم و رشته های تخصصی در هر یک از آن ها چنان گسترده است که دانستن همه چیز ناممکن شده است. و اما؛ تمام علم و دانش بشری گرچه در مقایسه با سده های گذشته رشد انفجاری داشته است و اما با آن هم هنوز که هنوز است، بسیار اندک میباشد. تمام گنجینهٔ دانش بشری، در مقایسه با آن چه که بشریت هنوز نه میداند، کم بیش به حساب هیچ شمرده میشود. به خصوص با توجه به این که بشریت در مورد انرژی تاریک و مادهٔ تاریک که حدود ۹۵ در صد از کل محتویات کاینات را تشکیل می‌دهند هنوز هیچ چیزی نه میداند.
به نظر فیلسوف نامور قرن بیستم کارل ریموند پوپر «...ما اگرچه در رابطه با دانش اندکی که داریم با یکدیگر متفاوتیم، لیکن در نادانی بی‌کران مان همه با هم برابریم»
پس آن گفته که ورد زبان ابن سینا بود تا امروز معتبر است :
تا بدانجا رسید دانش من
که بدانم همی که نادانم

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دانستن محدودیت هایی که ما داریم (و هر انسان دیگری در این یا آن حد دارد) از این جهت مهم است تا بدانیم که تا کجا میتوانیم در مسایل با اتکا به دانش خود سخن بگوییم و داوری کنیم و چه وقت نیاز به مطالعه و پژوهش داریم و در چه مرحله و چه مسایلی باید با دیگران مشوره بکنیم و در کدام عرصه ها صلاحیت ابراز نظر کارشناسانه را نه داریم .
واقعیت و به خصوص واقعیت های اجتماعی همیشه ابعاد گوناگون دارند و برای یک انسان دشوار است تا با یک نگاه و حتا با مطالعه و تجسس بتواند همهٔ این ابعاد را چنان که هستند دریابد. در بحث و تبادل نظر سازنده و منطقی میان دارنده گان دیدگاه های گوناگون است که میتوان این واقعیت ها را کاملتر شناخت. چسپیدن به یک دیدگاه ما را از فهم کلیت مسایل محروم میسازد. مطلق ساختن یک دیدگاه روی مسایل کلان اجتماعی میتواند فاجعه خلق کند .
نادانی کاستی کلان است و اما، توهم دانایی یک آفت کلان...
هدف من از مطرح کردن این بحث آن نیست که بگویم روی مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تنها کارشناسان حق ابراز نظر دارند. نه خیر روی این مسایل هر شهروند حق ابراز نظر دارد و اما هیچ کس و حتا دانشمندان سرشناس هم حق این را که در مورد حکم قطعی صادر کنند، نه دارند .
هدف دومم این بود که بگویم اگر بخواهیم آسیب های این توهم را محدود بسازیم، باید به واکنش های انتقادی بیشتر توجه بکنیم تا به واکنش های تعارفاتی- ستایشی .
توضیحات:
توهم دانایی در جوامع بسیار پیشرفته نیز وجود دارد و پدیده «Dunning–Kruger effect ((ایفیکت دانینگ-کروگر) نامیده میشود. این نام از نام دو محقق روانشناس که در اثر پژوهش ها این پدیده را کشف کرده اند، گرفته شده است .چنان به نظر میرسد که این پدیده میان درس خواندگان در جوامع عقبمانده و به خصوص بحرانزده - جوامعی که در آن ها به علت فقدان تفکر مستقل و انتقادی درجهٔ آسیب پذیری ذهنیت جامعه بسیار بلند تر است- شدیدتر و گسترده تر و مصیبت آفرین تر باشد.

تا بدانجا رسیددانش من
که بدانم همی که نادانم

آورده اند که این شعر از «ابوشکور بلخی» است و نیز آورده اند که شعر مذکور پیوسته ورد زبان «شیخ الرییس ابن سینا بلخی» بود...
و متن کامل ان شعر چنین است:

آنکس که داند و بخواهد که داند
خود را به بلندای سعادت برساند
آنکس که داند و داند که داند
اسب شرف از گنبد گردون بجهاند
آنکس که داند و نداند که داند
با کوزه ی آب است ولی تشنه بماند
آنکس که نداند و بداند که نداند
لنگان خرک خویش به مقصد برساند
آنکس که نداند و بخواهد که بداند
جان و تن خود را ز جهالت برهاند
آنکس که نداند و نداند که نداند
در جهل مرکب ابدالدهر بماند
آنکس که نداند و نخواهد که بداند
حیف است چنین ... ... بماند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خير و لولئ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ